هو

سیاحتنامه ایست که لیوتنان کامرون انگلیسی در زمانی

که مأمور سیاحت داخله افریقه بوده است نوشته

و در روزنامه تور دموند منتشر شده است

بتاریخ پانزدهم شهر ربیع الثانی هزار و دویست و نود و چهار هجری ۱۲۹۴

شروع به ترجمه کرد و بخط خود نوشت

چاکر خانه‌زاد



Le lieutenant Cameron. — Dessin d'Émile Bayard, d'après une photographie.

عکس لیوتنان کامرون است که سیاحت در افریقا [illegible] تفصیل [illegible] نوشته

بسم الله الرحمن الرحیم

در چند سال قبل در کشتی موسوم به [illegible] منصب سلطانی داشتم با کشتی مزبور به [illegible] غربی [illegible]
افریقا [illegible] در [illegible] و [illegible] سیاحها [illegible] و از طریقه و وضع [illegible] و [illegible] در جزیره [illegible]
داشته [illegible] که [illegible] افریقه [illegible] و مراقبت [illegible] این سیاحها [illegible] صاحب [illegible]
و از وضع [illegible] و [illegible] مستحضر [illegible] و در [illegible] اراضی و طرق و [illegible] آنجا [illegible] از طرف [illegible]
[illegible] و [illegible] وضع [illegible] بیشتر [illegible] داده [illegible] سیاحت [illegible]
[illegible] و [illegible] افریقه [illegible] که [illegible]
[illegible] منصب [illegible] انگلیس [illegible] آنجا [illegible] در [illegible]
[illegible] کار [illegible] انگلیس [illegible] دولت [illegible]
[illegible] مجلس [illegible] جغرافیا [illegible] از [illegible]
[illegible] لیوینگستون [illegible] افریقه [illegible] که [illegible]
انکشاف اراضی و طرق [illegible] افریقه [illegible] مجلس [illegible]
[illegible] سیاحت [illegible] و [illegible]
[illegible] کار [illegible]
[illegible] انگلیس [illegible] مجلس جغرافیا [illegible]
[illegible] افریقه [illegible] ملاحم [illegible]
تحصیل [illegible] زبان [illegible] افریقه [illegible]
[illegible] افریقه [illegible] افریقه [illegible]
[illegible] آنجا داشتم [illegible]
[illegible] لیوینگستون [illegible] آن [illegible]
[illegible] آنجا [illegible]

دیگر با وزیر زنگبار که [illegible] سلیم و خطاب [illegible] رای [illegible]

[illegible] لیوتنان مرفی [illegible]

[illegible] و اکثر حکمران [illegible] تنباف [illegible] حرکت کرده

[illegible] رسیدیم [illegible] زنگبار [illegible] در تحقیق [illegible]

[illegible] و لیوتنان [illegible] پس از [illegible]

[illegible] شدیم [illegible] همراهی [illegible]

[illegible] همراه [illegible]

[illegible] زنگبار حرکت کرده [illegible] رسیدیم [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]



Vue prise dans Bagamoyo. — Dessin de A. de Bar, d'après l'édition anglaise.

و نمای دهات باگاموییت

[illegible] مقصود [illegible]

[illegible]

[illegible] و جمع [illegible]

[illegible] شدم

دیگر دیلون [illegible] همراهی [illegible]

[illegible] قبل مراقبت کرده [illegible]

[illegible] حرکت کردیم

[illegible] حرکت کردیم [illegible] رسیدیم [illegible]

[illegible]

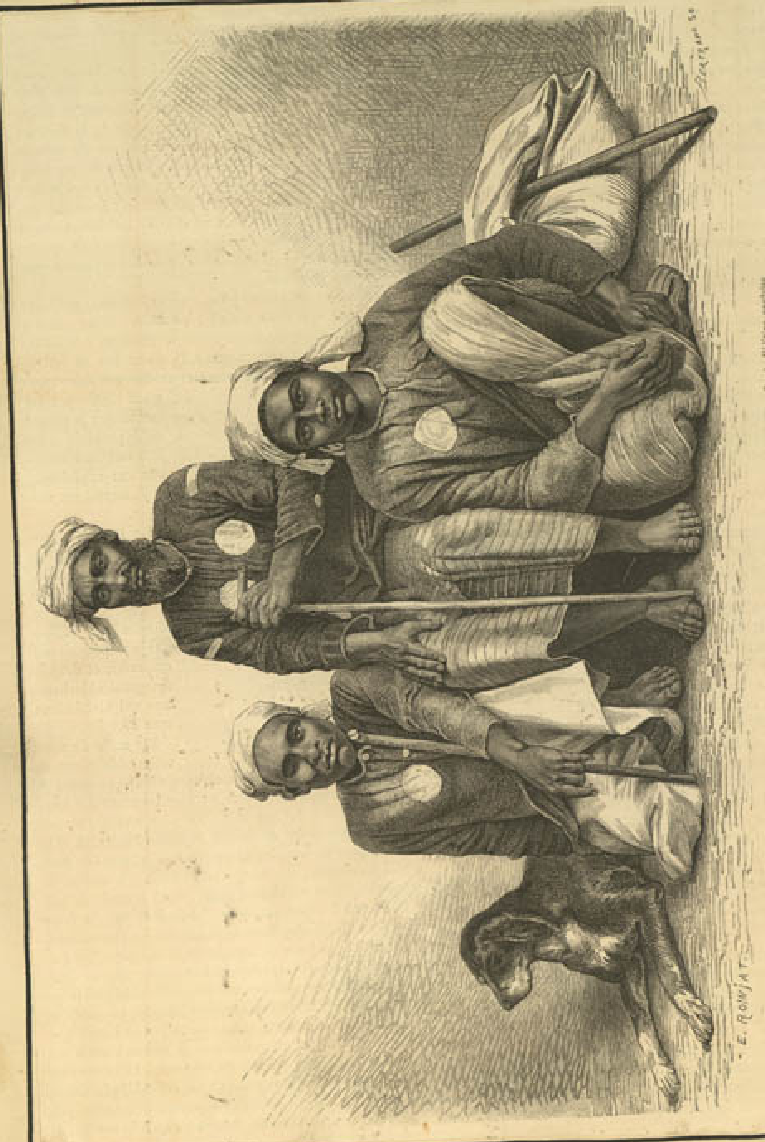
[illegible]



Pointe du Steamer, à Aden. — Dessin de Th. Weber, d'après l'édition anglaise.

بندر و لنگرگاه شهر عدن

[illegible]



Bombay et deux de ses anciens camarades engagés par Cameron. — Dessin de E. Ronjat, d'après l'édition anglaise.

بمبای معروف با ۵ نفر از رفقای قدیمش که در سفر قبلی خدمات لیوتنان کامرون را که دور سفر افریقه [illegible]

و بعد بفرستاده بود که [illegible] عیسی [illegible] در حرکت [illegible]
کاروان را همراهی [illegible] محافظت میکرد [illegible] جمعیت زیادی [illegible]
در کالکین سلاح [illegible] بمنزل [illegible] سلاح آتش [illegible]
بزرگ [illegible] عیسی همراه [illegible] منزل [illegible]
بسر [illegible] جمعیتی قبل از طلوع آفتاب حاضر شده [illegible]
خود بمنزل [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]



Porteurs et ballots. — Dessin de P. Kauffmann, d'après le texte et l'édition anglaise.

[illegible]

[illegible]

[illegible] چند جا [illegible] پیش رفت تا پنج روز [illegible] گذاشت [illegible]

آن روز را [illegible] و خبری از هیچ جهت [illegible] هم خبری [illegible] و جهات [illegible]

[illegible] اگر چه این چند روز [illegible] اصلاح [illegible]

[illegible] را درست کرده [illegible] جواب [illegible]



Camp à Mashona. — Gravure tirée de l'édition anglaise.

چادرهای [illegible] آنجا کاروان و قافله از پیش گذشته اند

[illegible] اطراف [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]



Retour d'un déserteur. — Gravure tirée de l'édition anglaise.

[illegible]

[illegible]

[illegible]

سالها [illegible] در میان [illegible] بزرگ [illegible] شاخهای [illegible] که در شب [illegible] در جنگل [illegible] بسته [illegible]

[illegible] گفتیم [illegible] در طرف [illegible]

که [illegible] شب [illegible] نداشت [illegible] گوشت [illegible] وقت [illegible]

[illegible] داشت [illegible] شب [illegible] کرده [illegible] کردیم

[illegible] کردیم [illegible] بودیم [illegible]

[illegible] رفت [illegible] بیست [illegible]

[illegible] حال [illegible] داشت [illegible] بود [illegible]

[illegible] حضرات [illegible] بود [illegible]

[illegible] رفتیم [illegible] جمعیت [illegible] غالب [illegible]

[illegible] شد [illegible] بودند [illegible]

[illegible] این [illegible] سنگ [illegible] رسیدیم

[illegible] حالت [illegible] خیلی [illegible] آب [illegible] وقت [illegible]

[illegible] رسیدیم [illegible] [illegible] درآن [illegible] تمام [illegible] میکرد

[illegible] چون [illegible] آید [illegible] داده [illegible]

[illegible] حالت [illegible] حالت [illegible] اجماع [illegible]

[illegible] جمعیت [illegible] خوانش [illegible]

[illegible] رفت [illegible] قبر [illegible]

[illegible] حضرت [illegible] مقصود [illegible]

[illegible] رابطه [illegible] وقت [illegible]

[illegible] داشتم [illegible] وقت [illegible] داشت

[illegible] روز [illegible] وقت [illegible]

[illegible] گفت [illegible] گفت [illegible] گفت [illegible] آب [illegible]



Grande plaine de la Makata. — Dessin de A. de Bar, d'après l'édition anglaise.

[illegible]

[illegible]

دیگر تکلیف در این سفر ... [illegible] ... بجز ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]



Vouagogo. — Dessin de E. Ronjat, d'après l'édition anglaise.

اهالی اوداگو

[illegible]

[illegible]



Mandanda mis à la chaîne. — Dessin d'Émile Bayard, d'après le texte.

[illegible]

داشته تقی را با این جا رسیده [illegible] که بود [illegible]
بجواب [illegible] [illegible]
[illegible]
پنج روز هم صبر کردیم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

بیخ ظاهر شاخ بسا شده و برگ ابنوه درین شکست و چنبره و سخی نموده ... در ... زیر سایه یک درخت ... سایه داد



Figuiers sycomores, près de Khoko (voy. p. 25). — Dessin de E. Guillaume, d'après le texte

درختهای انجیر ... نزدیک خوکو

کوهی عظیم میدید که ... معلومست ... ... و در زمان ... جز ...

در حوض ... در رفته ... اگر چه این حکایت ... ... رقیق ...

از این سنگ ... و این ... در ارتفاع ... بعضی ... ...

... جای ... که ... رنگ ... از صفحات ... آنسنگ ... ... از ...

در این صورت ... ...



کمرهایی که در اردوگاه ... ...

Rochers près du camp d'Ousdâlé (voy. p. 27). — Dessin de A. de Bar, d'après l'édition anglaise.

... واسطه ... جنس ... ... روزی ... ... دیگر ... ... حرکت ...

[illegible]

... ... معلوم ...

... ...

... ... صفحات ... ... از ... ...

... از ... ... درخت ... ...

کاروان را فرا گرفته بود بعضی مبتلا شدند و چند نفر دیگر را هم بیماری بر سر ما افکند ... به جهت آنکه خوراک خوب و راحت نداشتیم

شنو خراج و مرض حمی

در این چند روزه توقف در اینجا فرصتی پیدا کرده تفحص در باب مردان و زنان این مملکت و تحقیقات دقیقه نوشتم

اول مردمانی خوش‌بنیه و درشت‌اند و رنگشان ... درخت کنده ... می‌بندند و روزها در آن خانه ... جلوس می‌کنند

پس از چندی که پنیر و آب ... کرده بر سرشان می‌ریزند ... از میان آن برخاسته ... آن زنان ... از ...

درخت بیرون آورده ... هم خانه ... آفتاب ... گذاشته ... از آن چیزهای ...

در وقت آمدن خانه را جمع کرده ... و قریه ... مردمان دیگر ... نقش ... به خوراک ... و ...

بعد از ... که چند بسیار ... مسافت ... رسیدیم ... یعنی اسم ... که در وقت ...

جای منظور ... آب فراوان که کفایت ما ... داشت ... رفتیم ... در این ... رو دارد

خواهیم کرد آخر منزل ... که ... تا ... بار ... بعد ...

اگر چه ... قیمت بسیار گران ... در این صورت کار ... راه ...

به جهت ... آن زنان ... خیلی تفاوت ... کرده بود شده ...

شصت و چهار نفر ... امید داشت ... بهجت نمودم ... در این صورت ...

بیست و هشتم ... از اینجا کوچ ... در ... بر میان ... تا آخر روز ... رسیدیم

در راه از آنجا که ... در میان درخت ... و زراعت ... طی مسافت کرده ... بعضی ...

در میان ... که درخت ... منزل کردیم ... منزل ... بود ... از جهت بودن آتش ...

... هوا ... گذشت ... در آن ... منزل کردیم ... روز دیگر ... کوچ کردیم ...

کوچ ... بود ... رسیدیم ... از ... که ... را ...

غالب ... چوب ... از ... خندق ... از حیوانات ...

... که ... جمع ... به ... از ... ترتیب ...

گشت ... خودشان ... کردیم ... در این ... از ... اول ... محبوب ...

... غالب ... رسیده ... کدام ... از ... و ...

... از جمله ... بسیاری ... که ... دوم ... بر ... گاهی ... از ... دیگران

... ده ... آن ... و ... در آن ... دست ... و ... از آنها ...

... بسته ... در ... از ... سیاحت ... در آنجا ... تا ...

... در آنجا ...



... زنان ... جهت ...

... ها ... به ... و ... کرده ... در ...

... منظر ... در ... دره ... که ... در ...

... که ... از ... در ... کنیم ... از ...

... که ... می‌بینیم ... جزایر ...

[illegible]



Un village de l'Ounyamouézi. — Dessin de A. de Bar, d'après l'édition anglaise.

یکی از دهات اونیاموزی

[illegible]

[illegible]

[illegible]



Kouihara. — Gravure tirée de l'édition anglaise.

[illegible]

[illegible]

[illegible]



Zèbres. — Dessin de Riou, d'après le texte et l'édition anglaise.

یا زبرا گورخر را با تیر تفنگ شکار میکنند

[illegible]

بقیه دارد

[illegible]



Foyer chez les Vouanyamouési. — Gravure tirée de l'édition anglaise.

اجاق اهالی اونیامزی

[illegible]

[illegible]



[illegible]

[illegible]

[illegible]



Le camp au désert. — Dessin de A. de Bar, d'après l'édition anglaise.

[illegible]

[illegible]



Déroute devant un buffle (voy. p. 43). — Dessin d'Émile Bayard, d'après le texte et l'édition anglaise.

[illegible]

[illegible]

[illegible]



Traversée du Roussoudji. — Dessin de Th. Weber, d'après l'édition anglaise.

عبور از شط روسوجی

(از صفحهٔ ...)

[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]



La Botiay sur le Tsupaika. — Dessin de Th. Weber, d'après l'édition anglaise.

[illegible]

[illegible] از آنجا حرکت کرده [illegible]

[illegible]

[illegible] گذشته [illegible]

[illegible]

[illegible] کاروان [illegible]

[illegible] کاروان [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

امروز توقف بس از حرکت نکنیم ... شنیدم که در کنار رود ... ده اسم محالات که زبیر بنگ
بگویند (... نام ...) ... در جنگل ... بود ... کردیم ... راه ... گذشتیم آب این رودخانه
... ... جاده‌ای ... از ... خشکی ... شراب ... بیشتر ... از ... ... کنار ... بیرون
... کردیم ... در وقت عبور ... را ... که ... از ... آب ... ... در ... موج ... آب غرق نشوند



Un Mrous. — Dessin de E. Bonjat, d'après l'édition anglaise.

یکی از اهالی ... است

... از ... بعد ... رود ... بواسطه ... یک ... دارد ... عبور ... ... تر ... شده ...
در ... یک ... زنده ... بهتر ... بیرون ... ... قسم ... ...
... طرف ... هم ... ... آب ... ... کلیم و آن ... آب ... ...
... بالکلیه ... [illegible]

گذشته بود ... رسیدیم (... که ... گویند) ... جمعیت ... در جنگل ... بیش از کوهستانات
همسفر کردیم ... ... در این جنگل ... رود ... بزرگ ... ... گذشت ... ... میرزا ... جمیع ... صفحه
... ... بعد ... در میان ... وصف کردیم ... اتفاق ... ... وقت ...
... ... بیرون ... ... بود
... ... منزل کردیم ... ... در ... ... احتیاط
... ...
... ... در عالم ... ... جهت ... ...
... منزل ... که ... ... رسیدیم ... ...
... ... از میان ... ...
... ...
... ... توقف کردیم ... ... آدم ... ...
... ... حال ...
... ... جات ... ...
... این ... ... غالب ... ...
... ... غالب ... ...
که ... ...
... ... طرف ... ...
آن ... ...
... ... تیر ... ...
... ... غالب ... ... وقت ...
... ...
... ...
... ...



Village de Makélé. — Dessin de A. de Bar, d'après l'édition anglaise.

که ما تا که در ... [illegible] ... در این نقطه جنگل ... [illegible] ... از رنگهای دیگر ... [illegible]
... [illegible] ... بیشتر ... [illegible]
... [illegible] ... افریقا ... [illegible]
... [illegible] ... (یعنی درخت نارگیل) و درخت ... [illegible]
... [illegible] ... درخت ... [illegible]
... [illegible] ... آب ... [illegible]
... [illegible] ... از آب ... (... مصرف ...) ... [illegible]
... درخت ... [illegible] ... هیچ ... [illegible]
و حلقه حلقه ... [illegible]
حلقه ها ... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
آیا ... [illegible]
اگر ... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
در سنه ... [illegible]

[illegible]



Femmes de l'Oubâdjoua. — Gravures tirées de l'édition anglaise.

زنهای اوباجوا باشند

[illegible]

[illegible]



Construction de huttes dans un village de l'Ouhiya (voy. p. 72). — Dessin de A. de Bar, d'après l'édition anglaise.

وضع خانه سازی در یکی از دهات اوهیا

[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]



Coiffures des hommes du Manyema. — Gravure tirée de l'édition anglaise.

[illegible]

[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

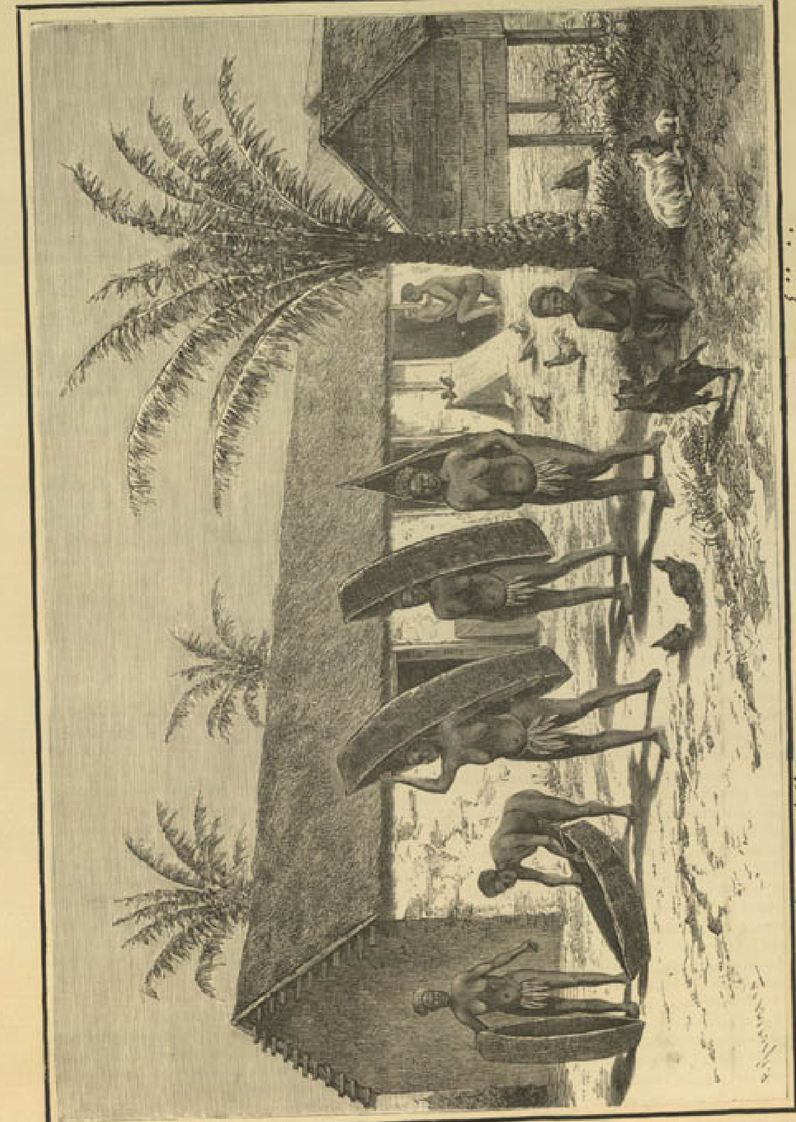


نی



[illegible]

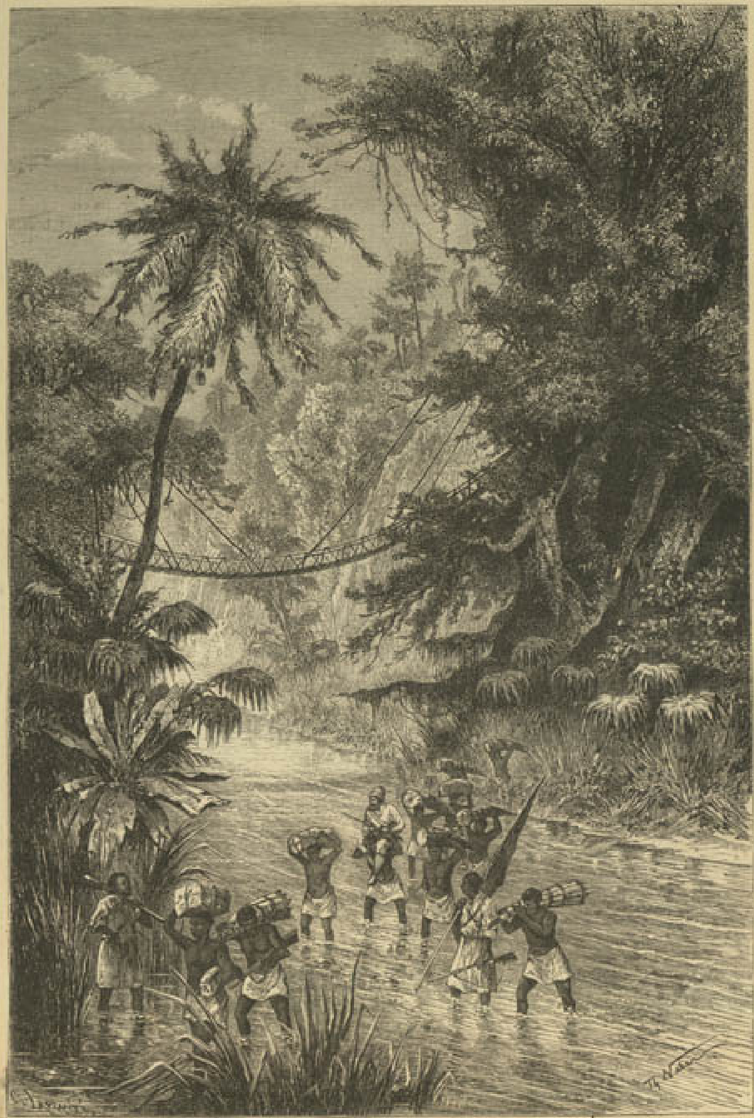
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]



Femmes allant à la pêche. — Dessin de P. Kauffmann, d'après l'édition anglaise.

Anthropophagie

[illegible]



Pont sur le Loulinadi. — Dessin de Th. Weber, d'après l'édition anglaise.

پلی که بر رود [illegible] بسته شده است

[illegible] جاده [illegible] قسمت [illegible] وقت [illegible]
[illegible] عبور کنیم [illegible] عبور کنیم [illegible]
[illegible] عبور کنیم [illegible] جنگل [illegible]
[illegible] کرده [illegible] عبور کنیم
[illegible] نقطه عبور [illegible] پلی [illegible] از آن [illegible]
این پل در [illegible] قدم ارتفاع از صفحهٔ آب رودخانه معلق است مرکب از چهار طناب [illegible]
[illegible] که در دو طرف رودخانه [illegible] طناب [illegible]
[illegible] طناب [illegible] ارتفاع [illegible]
[illegible] در دو طرف [illegible]
[illegible] طناب [illegible]
[illegible] حرکت ممنوع [illegible]

تا اینجا [illegible] را که در روزنامه [illegible] نوشته شده بود
حسب الامر [illegible] ترجمه کرد [illegible]
[illegible]
۱۲۹۶
[illegible] مترجم [illegible]

۱۳۱ گر